

<p>مهر</p> <p>آموزشگاه</p>	<p>تاریخ آزمون: ۹۶/۱۰/۱۹</p> <p>مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه</p> <p>نیاز به پاسخنامه ندارد</p> <p>شماره صدلی:</p>	<p>باسمه تعالی</p> <p>مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۴</p> <p>دبیرستان غیر دولتی هدی (دوره دوم)</p> <p>آزمون نوبت اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷</p> <p>تعداد صفحات: ۴      تعداد سؤال: ۷</p>	<p>نام و نام خانوادگی:</p> <p>سؤالات امتحان درس: نگارش</p> <p>پایه: یازدهم</p> <p>رشته: علوم انسانی</p> <p>نام دبیر: منتظرپناه</p>
	<p>تاریخ تصحیح: ۹۶/ /      نمره: با عدد ( )      نمره با حروف: ( )      امضای دبیر:</p>		
<p>بارم</p>	<p>شرح سوالات</p>		<p>ردیف</p>
	<p>بازشناسی</p>		<p>الف</p>
<p>۲</p>	<p>۱- متن زیر را بخوانید و طرح اولیه آن را مشخص کنید. (بند مقدمه، بندهای بدنه و بند جمع بندی)</p> <p style="text-align: center;"><b>«وقتی باران می بارد»</b></p> <p>دلها گرفته است. شالیزار مدت ها است رنگ باران به خود ندیده. کشاورزان دست دعا به سوی آسمان بلند می کنند. نسیم نرم و سبک دعای باران را از دست های آنان به آسمان می برد. خداوند دعا را می شنود و مهربانانه باران زیبا را به سویشان روانه می کند. بوی خاک باران خورده و چمن تازه در هوا پخش می شود. دست و روی دشت شسته می شود و زیبایی های آن دوچندان می گردد. باران می آید و خیر و برکت را با خود می آورد. کشاورزان سرود شادی می خوانند و پرندگان شادمانه می خوانند و شالیزارها جانی دوباره می گیرند. چشمها از فرود باران که زیباترین آغاز است به رنگین کمان دوخته می شود و همه، صاحب باران را شکر می گویند و با شادی فریاد می زنند: ای خدای مهربان، هرگز ما را تنها نگذار. باران شادمانه دست آدمها را می گیرد. آنها چشمهایشان را می بندند و برای دقایقی به دوران خوش کودکی باز می گردند و زمزمه می کنند: «باز باران با ترانه با گوهرهای فراوان...»</p>		

	ب	سازه‌های نوشتار
۲		<p>۲- مَثَل نویسی</p> <p>یکی از ضرب‌المثل‌های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.</p> <p>الف) از این گوش می‌گیرد و از آن گوش در می‌کند.</p> <p>ب) به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می‌آید.</p> <p>پ) از کوزه همان برون تراود که در اوست.</p>
۲		<p>شعرگردانی</p> <p>۳- بیت زیر را بخوانید؛ سپس برداشت خود را از آن بنویسید.</p> <p>«معیار دوستان دَعْل، روز حاجت است      قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب»</p>

۲	<p>۴- حکایت نگاری</p> <p>حکایت زیر را به زبان ساده بازنویسی کنید.</p> <p>«یکی از کوه لُکام به زیارت «سَری سَقَطی» آمد. سلام کرد و گفت: «فلان پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت.»</p> <p>سَری گفت: «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود؛ چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»</p> <p>«تذکره‌الاولیا، عطار»</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>
۹	<p>پ آفرینش ادبی</p>
	<p>«(۱)نمره آغاز زیبا، (۷)نمره پرورش موضوع و(۱) نمره پایان مناسب.</p> <p>۵- یکی از موضوع‌های زیر را انتخاب کنید و در مورد آن متنی بنویسید.</p> <p>الف) از زبان مترسکی در مزرعه.</p> <p>ب) جاده‌های پر پیچ و خم زندگی را در آینه فردا چگونه می‌بینید؟</p> <p>پ) سرگذشت یک دفتر.</p> <p>ت) روی تخته سفید زندگی چه می‌نویسید؟</p> <p>ث) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد      نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>

